

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«أَجِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ» ارتباط زناشویی با همسر در شب روزه داری بر شما حلال شد. منطوق جمله روشن است یعنی در فاصله‌ای که روزه نیستید اصطلاحاً «لَيْلَةَ الصِّيَامِ» شب روزه‌داری، از نظر فقهی فاصله‌ی اذان مغرب و عشاء تا اذان صبح می‌شود «لَيْلَةَ الصِّيَامِ»، رابطه زناشویی با همسرش داشته باشد، مفهومی نیست که آن رابطه در طول روزه‌داری حرام است. معمولاً اینطور است که وقتی یک حکمی را خدا مطرح می‌کند، فلسفه حکم، پشتوانه حکم را هم مورد توجه قرار می‌دهد. در این آیه با تعبیری بسیار زیبا از این مسئله خبر می‌دهد: «هِنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ» همسران شما لباسی هستند برای شما و شما هم لباسی هستید برای آنها. مهمترین خاصیت لباس پوشاندن عیب است، پوشاندن عورت است یعنی آنچه که از بدن انسان، دیده شدنش برای دیگران عیب است و خلاف شأن انسان است، لباس آن را می‌پوشاند. یکی از تفضلات الهی به انسان، همین لباس است. وقتی مردی همسری دارد، زنی شوهری دارد نیازهای جنسی اینها با یکدیگر برطرف می‌شود و چون نیازهای جنسی ایشان با یکدیگر برطرف می‌شود، در جامعه، در حضور دیگران، نمودی که از اینها دیده می‌شود، نمود نیازهای جنسی نیست. لذا آبرویشان در جامعه حفظ می‌شود. یکی از فلسفه‌های ازدواج همین است؛ وقتی آن نیاز جنسی در متن خانواده، در رابطه با همسر جبران شد دیگر انسان بیرون از محیط خانواده، این نیازش برای دیگران آشکار نمی‌شود، آبرویش حفظ می‌شود. لذا همسر برای انسان به منزله لباسی است که عیب او را می‌پوشاند. نقص و نیاز جنسی او را در جامعه می‌پوشاند.

می‌دانست اگر برای شما حلال نمی‌کرد شما خودتان به خودتان خیانت می‌کردید. یعنی شما تاب و تحمل حرمت مطلق روابط زناشویی را در طول ماه رمضان نداشتید. یعنی به رغم حرام بودن اقدام به رابطه زناشویی می‌کردید. «فَتَابَ عَلَيْكُمْ» لذا خدا بر شما توبه کرد. دقت کنید: اگر تخفیف خدا در شبهای ماه رمضان، شبهای روزه‌داری نبود آن وقت به طور مطلق در ماه رمضان رابطه زناشویی بین آنها حرام می‌شد. ما تحمل آن حکم را نداشتیم و به خودمان خیانت می‌کردیم. «وَعَفَا عَنْكُمْ» و عفو کرد درباره شما یعنی اجازه داد «فَالآنَ» پس الان که خدا تخفیف داد، الان که خدا عفو کرد از شما «بِأَسْرُوهُنَّ» الان می‌توانید در شبهای ماه رمضان در فاصله اذان مغرب تا اذان صبح از آن فرصت استفاده مناسبی داشته باشید و با همسرانتان رابطه برقرار کنید. «وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» طلب بهره کنید از این حکمی که خدا برایتان مقرر کرد. «وَابْتَغُوا» می‌خواهد بفرماید تخفیف بزرگوارانه دادم. اینطوری تخفیف ندادم که تخفیف داده باشم و بعد هم نگاه کنم ببینم هر کس از این تخفیف استفاده کرده باشد، از او ناراحت شوم، خیر «وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ». تا اینجا یک حکم مشخص بیان شد. قسمت دوم هم می‌خواهد حکم دیگری را بیان کند: در «لَيْلَةَ الصِّيَامِ» فقط رابطه زناشویی مجاز است؟ نه «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا» خوردن هم در «لَيْلَةَ الصِّيَامِ» مجاز است. مجاز است. مفهوم اینکه در شب روزه‌داری خوردن و نوشیدن مجاز است اینست که در طول روزه‌داری مجاز نیست. فقط خدا با کمال حکمت مجازها را بیان کرده است و غیر مجازها را به مفهوم واگذار کرده است. تا کی؟ «حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» این خوردن و نوشیدن و طبیعتاً «الرَّفَثُ» تا کی مجاز

است؟ تا وقتی که «الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ» خط سفید آشکار شود، تفکیک شود برای شما از «الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ» خط سیاه. «مِنْ الْفَجْرِ» یعنی تا اذان صبح. اذان صبح یک ساعت و خورده‌ای قبل از طلوع آفتاب است. اذان صبح خودش یک فجر است، یک نوری در شرق آسمان می‌زند، ولی این هنوز طلوع خورشید نیست. تا آن موقع می‌توانید بخورید و بیاشامید و با همسرانتان رابطه داشته باشید. «ثُمَّ» اما وقتی اذان صبح شد، آن خط سفید از خط سیاه تبیین پیدا کرد، «ثُمَّ أْتَمُّوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ» آن وقت روزه داری را تا شب تمام بکنید. حالا شما دیگر روزه داری را معنی کن، با توجه به سه عنصر روزه داری را تعریف کن، «ثُمَّ أْتَمُّوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ» یعنی پس دیگر از رابطه زناشویی باید دست بکشید، از خوردن دست بکشید، از نوشیدن دست بکشید، تا شب، که همان ما می‌گوییم اذان مغرب و عشاء، که می‌شود دقایقی یا مثلاً حدود ۲۰ دقیقه بعد از غروب آفتاب، که مغرب اصطلاحاً تا شب، حالا می‌خواهد یک تبصره بیان کند، در این اولی که خدا فرمود، «فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ» یعنی ارتباط زناشویی، ارتباط جنسی، با همسر را مجاز کرد، «بَاشِرُوهُنَّ» ارتباط جنسی با همسران را جایز کرد، استثناء این است که شما، «عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» باشید «وَلَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» با همسرانتان رابطه جنسی نداشته باشید، در حالی که معتکف در مساجد هستید، یعنی نگویید خدا گفته است، ماه رمضان شب اشکال ندارد، الان هم دهه آخر ماه رمضان است، ما معتکف هستیم، خانواده ای رفتیم معتکف شدیم در یک مسجدی، دیگر حلال است. نه، در مسجد در حالت اعتکاف، این ممنوع است. پس اگر گفته می‌شود که مباشرت با زنان در شب ماه رمضان مجاز است، این مجاز بودنش به شرطی است که شما «عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» نباشید، پس این هم یک تکمله بیان شد. می‌فرماید: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ» این احکامی که بیان شد، حدود الله است، مرزهای خداست، «فَلَا تَقْرُبُوهَا» به مرزهای خدا نزدیک نشوید، حالا شما ببینید، نزدیک شدن به مرزهای الهی، با توجه به احکامی که در این آیه ذکر شد، مصادیقش می‌شود، این گونه خدا تبیین می‌کند، آیات خودش را برای مردم، «لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» باشد که مردم درباره آیات الله، درباره حدود الهی تقوا پیشه کنند.

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» چرا از «وَلَا تَأْكُلُوا» اینجا حرف می‌زند؟ آن «وَأَشْرَبُوا» که خدا فرمود در آیه قبلی، که از احکام روزه داری بود، که یعنی می‌خواست بگوید، «وَلَا تَأْكُلُوا» ما یک مفهومش از آن استفاده کردیم، آن مفهوم چی بود؟ یعنی در طول روزه داری، «وَلَا تَأْكُلُوا» از آن «وَأَشْرَبُوا» آیه قبل فهمیدیم که در طول روزه داری، مکلف هستیم به «لَا تَأْكُلُوا» به اینکه نباید بخورید، حالا «لَا تَأْكُلُوا»، «لَا تَشْرَبُوا»، «لَا تَبَاشِرُوا أَرْوَاجِكُمْ» همه‌اش است، یعنی سه تا نهی، اینها همه «لَا» دارد؛ این «لَا»ها چیست؟ یکی از فلسفه‌هایش را خدا می‌خواهد توضیح بدهد، ما توقع داریم برای شما «لَا تَأْكُلُوا» را در ایام روزه داری، «لَا تَشْرَبُوا»، «لَا تَبَاشِرُوا أَرْوَاجِكُمْ» یک مانور تربیتی در واقع برای ما رقم زده است، این مانور تربیت یک برکاتی، یک ثمراتی دارد، این یکی از ثمراتش است، «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» قبل از اینکه وارد بحث های بعدی سوره بشود، می‌خواهد یک خروجی بگیرد، می‌فرماید: اموال خودتان را بین خودتان به باطل نخورید، یعنی نخوردن در طول روزه داری، یک تمرینی است برای دست کشیدن از مالی که حلال نیست، «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» یعنی بدون حجت شرعی، در مالی تصرف نکنید، از مالی بهره نبرید، فقط خوردن نیست، اکل، نماد برجسته انتفاع است، فقط خوردن نیست، ممکن است کسی زمین غصب می‌کند، اکل آن مصداق بارز انتفاعات مادی است، نه اینکه محدود به اکل است، این یک دایره وسیعی دارد، با سرقت نمی‌شود مالی را خورد، با ربا نمی‌شود خورد، با رشوه نمی‌شود خورد، با قمار نمی‌شود خورد، با دوز و کلک نمی‌شود خورد، به غیر حجتی که شرع آن را تایید کرده باشد، نمی‌شود مالی را تصرف کرد و خورد. می‌خواهم یک جایی کار کنم، حقوقی

بگیرم باید یک قرارداد شرعی داشته باشم، باید صورت مورد تایید شرع داشته باشم، می‌خواهم یک جنسی تولید کنم، بفروشم، باید یک صورت شرعی داشته باشم، ببینید الان «وَتَدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ» دارد یک مصداقی از «أَكُلُ بِالْبَاطِلِ» را مطرح می‌کند، که این مصداق اصطلاحاً با کلاه شرعی درست شده است، «وَتَدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ» یعنی خدا می‌فرماید، تو نمی‌آیی حرام بخوری، با صراحت، بگویی من این مال حرام را می‌خورم، با صراحت، نه، می‌آیی، یک بخشی از آن را در خیال خودت، مثل «دلو» یک بخشی از آن را می‌اندازی به سمت حکام، بعد از آنها حکم می‌گیری، به حلیت بقیه اش. به آن امروز پولشویی می‌گویند، در تفاسیر به رشوه اشاره کرده اند، می‌آید به یک حاکمی یک رشوه ای می‌دهد، از او حکم جواز می‌گیرد برای تصرف در یک مالی که متعلق به او نیست، برای خوردن یک نوبتی که مال او نیست، یا برای گرفتن وامی که مال او نیست، و به او نمی‌رسد، فرق نمی‌کند، یعنی ببیند خدا اشاره کرده است به کلاه شرعی‌ها، مصادیق متکثر و فراوان است، ولی آن قدر مشترک همه، این است که بخشی از مال را «وَتَدُلُّوا بِهَا» یعنی دلو، «وَتَدُلُّوا» دلو است، یک بخشی از مال را، یک جایی مصرف بکنی، «إِلَى الْحُكَّامِ» یعنی برای کسانی که حکم می‌کنند، آنها حکم کنند به اینکه شما «لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ» حکم کنند که شما بتوانید گناهکارانه بقیه اموال مردم را بخورید، این از رشوه تا اموال پولشویی‌ها را در بر می‌گیرد.

می‌فرماید: «وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» خودتان هم می‌دانید دارید چکار می‌کنید، یعنی انسانها خودشان می‌دانند که چه طوری دارند یک کلاهی درست می‌کند که، یک مال حرامی را بر خودشان حلال کنند، و خیلی عجیب تر است، یعنی دارد مانور «لِتَأْكُلُوا» را اجرا می‌کند، ولی کمترین خروجی تربیتی «لِتَأْكُلُوا» که ترک خوردن حرام است، در او نیست، فقط «لِتَأْكُلُوا» را گرفته، بله از صبح نمی‌خورم تا غروب اما به محض اینکه اذان مغرب شد، با نان مردم افطار می‌کند. با نانی که مال من نیست، یا مخلوط است یا بالاخره، قاطی شده است با حرام، دارم من با آن افطار می‌کنم.

بحث را نبر به بحث تطبیق فقهی و موردی اش، چون باید تمام جوانبش سنجیده بشود، حاکمیت مفهوم بسیطی نیست، ممکن است، حاکمیت یک جاهایی، در سر شاخه‌ها، خائینی به عنوان حاکم نشستند، خائن است، تو هم می‌دانی که او به خیانت دارد این مجوز را به تو می‌دهد، سیستماتیک هم باشد، همین بانکداری فشلی که الان ما داریم، نه غربی است، نه اسلامی است، هیچ چیز نیست، لااقل آقا تو تقوا را رعایت کن، وامی که به تو تعلق نمی‌گیرد را چرا می‌گیری، چرا این کار را انجام می‌دهی، امتیازی که می‌دانی رانت است، چرا از آن استفاده می‌کنی؟ حالا هزاری که بگویی آقا این امتیاز است، من که نمی‌خواستم به من رانت بدهند، دادند، خب آقا تو که می‌دانی رانت است، شما چرا از آن استفاده می‌کنی؟ با آن پول به جیب می‌زنی، تقوای خود ما، کلی مشکل را حل می‌کند. سیستم حالا مشکل دارد، باشد سیستم باید اصلاح شود، حال سیستم طول می‌کشد تا اصلاح شود، حالا یک سری از مشکلات هم می‌ماند تا سیستم اصلاح نشود، ما نمی‌توانیم توقع حل آنها را داشته باشیم، آنها دیگر مسائلی است که احتیاج دارد به یک عزم اجتماعی، علمی، راهبردی، که جامعه به سمتش برود، و حتماً سوره بقره این هم مدنظرش هست، نمی‌خواهد فقط مورد فردی را حل بکند، اما همان مورد فردی اش که قابل حل است، بسم الله. آقا خودمان به خودمان رحم کنیم، خودمان راضی به «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» بین خودمان نشویم.

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ» مقصود سوال کننده، در حقیقت «الْأَهْلُ» نیست، او دارد از «الْأَهْلُ» سوال می‌کند، ولی یک چیز دیگر منظورش است، یک تعریض دارد می‌زند، تعریضش را از کجا بفهمم، چیست؟ از آیه بعدی بفهم،

«وَقَاتِلُوا» آیه بعد را ببین «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ»، یعنی مسئله چیست؟ مسئله این است که یک دستور «قَاتِلُوا» آمده، این دستور «قَاتِلُوا» در چه ظرفی واقع شده؟ در ظرف ماه حرام، در ماه حرام دستور «قَاتِلُوا» آمده، اینها نمی روند به پیامبر بگویند یا رسول الله چرا در ماه حرام فرمان قتال صادر شد، که اگر اینطور می پرسیدند این درستش بود، اینها تعریضی سوال می پرسند، می گویند یا رسول الله هلال چیست؟ ایشان هم می فرمایند: هلال «مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ»، پس می دانید که الان ایام حج است، ماه حرام است، این را می دانید و دارید می گویند «قَاتِلُوا»؟! این پرسیدن طعنه گونه، تعریض گونه از پیامبر؛ خدا می فرماید این اصول نیکوکاری نیست! سوالت همانی که هست سوال کن! یعنی چه که «عَنِ الْأَهْلِةِ»؟ مشکلات یک چیز دیگر است؛ لذا می فرماید: «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا» برّ و نیکوکاری این نیست که شما از پشت خانه ها داخل خانه ها شوید؛ «وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى» برّ این است که کسی تقوا پیشه کند؛ «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أُبوابِهَا» و دستور می دهم که از درب خانه ها وارد خانه ها بشوید، درست و شفاف سوالتان را مطرح کنید، البته این مثل خیلی جاهای دیگر هم قابل تطبیق است، حالا اینجا تطبیقش این می شود که عرض کردم. «وَأَتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» و تقوای الهی پیشه کنید باشد که رستگار شوید. تقوای الهی پیشه کنید، به حکم الله گوش جان دهید، بفهمید فلسفه اش چیست، چرا خدا فرمود: «قَاتِلُوا»؟

این قتالی که ما داریم دستورش را می دهیم جواب قتال آنهاست، آنها دارند با شما قتال می کنند، او دارد با شما قتال می کند باید جوابش را بدهید؛ «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» و تجاوز نکنید به غیر «الَّذِينَ يَفْقَهُونَكُمْ»، یعنی اگر کسی با شما قتال نمی کند ما نمی گوئیم با او قتال کنید، ما می گوئیم با کسی قتال کنید که با شما قتال می کند و تجاوز نکنید به غیر مقاتلین، به غیر از کسانی که با شما قتال ندارند بروید با آنها هم بجنگید! نه آقا با آنها بی بجنگید که دارند با شما می جنگند، یا اگر آتش بس کردند ادامه ندهید که بعداً می آید در همین آیات؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۱۹۰)» خدا متجاوزین را دوست ندارد.

اینها می گویند تو که می گویی بروید حج، می دانی که الان خانه خدا تحت استیلای مشرکان است، تو که می گویی بروید حج، ما که برویم حج، طبیعی است که آنها ممانعت می کنند؛ بعد جنگ می شود، عملاً چه کسی جنگ را راه انداخته؟ عملاً ما آنها را تحریک به جنگ کردیم، درست است ما نرفتیم جنگ، ما رفتیم حج، ولی آنها به جنگ برآمدند! خدا اینجاست که در آیه بعدی می فرماید: ما می رویم حج و باید هم حجامان را آنجا به جا بیاوریم، کاری به ما نداشته باشند بحثی نیست، اما وقتی آنها می خواهند مانع ما شوند از اینکه حجامان را به جا بیاوریم و در مقابل ما سلاح می گیرند، یعنی آنها شدند آغاز کننده جنگ! دین برای خداست آنها فتنه کردند، آنها آمدند منطقه حرم را تصاحب کردند.

مسئله این است که پیامبر می فرماید بلند شوید برویم حج را بجا بیاوریم، وظیفه دینی مان است، حالا آیاتش خواهد آمد که «أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ» است، وقتش رسیده، موسمش است، باید الان برویم حج؛ اینها می گویند آخر برویم حج می زنند! می فرماید: زدند، می زنیم. نه اینکه ماه حرام است، ما حج نرویم که آنها زنند، که ما مجبور نشویم بزنییم، این یعنی انفعال، این حرفها نیست.